THE USUAL P&G STORY

Ferdinando Frega — Nando the Scribe



Gillettenarrative.com

همان داستان همیشگی P&G

THE P&G SAGA · 05

همان داستان همیشگی. مردها. ناآماده. بی‌نظم. مطمئن که «زنی دارد می‌آید» دقیقاً همین معنا را می‌دهد — و نه بیشتر.

تلگرام روشن بود: یک زن. نه فرشته. نه Juliana. نه Gillette.

همه‌چیز را آماده کرده بودند. غذا. نوشیدنی. حتی آشپز فیلیپینی. اما هیچ‌کس خودش را آماده نکرده بود. هیچ‌کس به تنها چیزی که وقتی زنی وارد می‌شود اهمیت دارد فکر نکرده بود: شایستهٔ آن اتاق بودن.

وارد می‌شود. لبخندی آرام. گامی استوار.

«سلام به همه. من Juliana هستم. پرتغالی. از اول ژوئیه به این‌جا منتقل می‌شوم. می‌خواستم پیش از شروع، همکارانم را ببینم — و بفهمم چه چیزی پیش رویم است.»

سکوت. مردها او را همان‌طور تماشا می‌کنند که آدم خورشیدگرفتگی را تماشا می‌کند — با اینکه می‌داند نباید، و نمی‌تواند دست بکشد.

«ببخشید — شما از کدام بخش هستید؟»

«ما آژانس‌های تبلیغاتی را هماهنگ می‌کنیم. پول شعارها را می‌دهیم. ایده‌ها را می‌آوریم.»

«از کدام شرکت‌ها؟»

سکوت. هیچ‌کس جواب نمی‌دهد.
پرسروصداترین آدم اتاق — همیشه همان پرسروصداترین — به جلو خم می‌شود.

«و شما؟ شما را به کدام بخش فرستاده‌اند؟»

لبخند می‌زند.

«بخش من در بالاترین نقطه است. درست کنار پدربزرگ Kamp. نزدیک آقای ل.»

«یعنی شما در... بخش معنوی شرکت هستید؟»

«به نوعی. اما راهبه نیستم. مثل آن‌ها موعظه می‌کنم — فقط به میلیارد.»

مردها نگاهی رد و بدل می‌کنند. کسی زیر لب می‌گوید:

«تو دیگر کی هستی، لعنتی؟»

به آتش نزدیک‌تر می‌شود. طوری نگاهش می‌کند که آدم به چیزی واقعی نگاه می‌کند. بعد برمی‌گردد.

«من مدیرعامل تازهٔ Gillette هستم. بعد از 130 سال. و فردا صبح از شما می‌خواهم، اگر اشکالی ندارد، با صورت تراشیده به دفتر بیایید. ظاهر بخشی از کسب‌وکار است. و امروز... Gillette یک زن است.»

Nando the Scribe